

ببینید این موفقیت در شرایطی است که پلنفرم‌ها وارد عرصه شده‌اند این پلنفرم‌ها دست مخاطبان را بازتر کرده و طبیعتاً این موضوع می‌تواند در ذائقه مخاطب هم تأثیر گذاشته باشد، چرا که هر کسی، هر چیزی را می‌خواهد می‌تواند انتخاب کند و ببیند. در این شرایط وقتی می‌بینیم گیلدخت برای دو بار - اگر اشتباه نکنم - در رأی گیری‌ها بهترین سریال شده است، برایم خیلی خوشحال کننده است، خدا را شکر به نظر من، ما جواب خودمان را گرفته‌ایم.

**به‌عنوان بازیگر اثر به نظر تان فضای روایت داستانی این سریال که بیشتر در مطبخ می‌گذرد در جذب مخاطبان بیشتر تأثیر گذار تر بوده یا داستان عاشقانه آن؟**

ببینید از دید من هر دو قسمت جذابیت‌های خاص خودشان را دارد، مطبخ، رنگ و لعاب خودش را دارد، داستانک‌های خودش را دارد و در عین حال داستان عاشقانه هم بسیار گیراست، اما در مجموع من فکر می‌کنم مخاطب، بیشتر به سمت داستان عاشقانه متمایل بوده و پیگیر این باشد که سرانجام این عشق چه خواهد شد.

### کلام آخر؟

صمیمانه از آقای شفیع به‌عنوان تهیه‌کننده اثر سپاسگزارم که به من اعتماد کردند، ایشان سردمدار فرصت دادن به جوان‌ها هستند، از ایشان بابت اعتمادی که به من برای سپردن کاراکتر میرشکار داشتند سپاسگزارم و همین‌طور از همه عوامل محترم پروژه متشکرم، قطعاً مخاطب تا پایان گیلدخت شگفت‌زده خواهد شد.



**احساس می‌کنم مردم ارتباط خوبی با قصه برقرار کرده‌اند و قصه را دنبال می‌کنند و باعث خوشحالی ما است که بعد از دو سال و اندی تلاش یک گروه ۲۰۰ نفره، این احساس را داریم که مردم دارند از دیدن این سریال لذت می‌برند.**

جدید و خیلی وسوسه‌انگیز بود، من عاشق نقش‌هایی هستم که این‌طور نباشد که رضا اکبرپور بیاید دیالوگ‌ها را بگوید و بازی کند و برود، من دوست دارم که به چالش کشیده شوم و اسماعیل واقعاً این کار را با من کرد، اسماعیل میرشکار واقعاً بازیگر را به چالش می‌کشید و این برای هر بازیگری که عاشق بازیگری است یک اتفاق شیرین است.

**وجه تمایز شخصیت اسماعیل با دیگر کاراکترهای سریال چیست؟**

اسماعیل یک فرد متکی به خود است، آدمی که شاید اگر در دارو دسته آصف میرزا باقی می‌ماند اتفاقات خیلی بهتری در زندگی شخصی‌اش رقم می‌خورد. اما این آدم، شخصیت عجیبی دارد، حتی یک جایی من احساس کردم که اگر پا بدهد در عین عاشق بودن می‌تواند از عشق زمینی‌اش گذر کند تا یک هدف بزرگ‌تری را به سرانجام برساند. اسماعیل یک چنین ویژگی‌هایی داشت، من احساس می‌کردم که برای این آدم، هیچ چیزی در دنیا وجود ندارد که وابسته‌اش کند، حتی می‌خواهم فراتر بروم و بگویم حتی یک‌جایی احساس می‌کردم که این آدم برای آنکه به هدف بزرگ‌تری برسد، یعنی جلوی ظلم و ظالم بایستد، حتی می‌تواند از خود گلنار هم بگذرد و حتی جان خودش را هم بر سر این هدفش بگذارد.

**به نظر تان با وجود تغییر ذائقه مخاطبان امروز، سریال گیلدخت چقدر در جذب مخاطب موفق بوده است؟**

من به‌عنوان بازیگر این اثر، این را نمی‌گویم؛ بلکه به‌عنوان کسی که بازخوردهای مردم را در کوچه و بازار دیده، در فضای مجازی خوانده و شنیده است می‌گویم، با این واکنش‌ها احساس می‌کنم گیلدخت وظیفه‌اش را به خوبی انجام داده است. احساس می‌کنم مردم ارتباط خوبی با قصه برقرار کرده‌اند و قصه را دنبال می‌کنند و باعث خوشحالی ما است که بعد از دو سال و اندی تلاش یک گروه ۲۰۰ نفره، این احساس را داریم که مردم دارند از دیدن این سریال لذت می‌برند.

این موفقیت برای من و گروه خیلی پررنگ‌تر و جذاب‌تر از شرایط عادی است چرا که در شرایطی رخ داده که نه تنها تولید کارهایی مثل گیلدخت سخت است که اصلاً به سمتشان رفتن هم بسیار دشوار است. البته این را هم بگویم که ممکن است در بین مخاطبان کسانی باشند که خوششان نیاید، اما در کارهای هنری هدف این است که اکثریت را جذب کنیم و با یک کیفیت خوب کارمان را ارائه دهیم که خدا را شکر، من فکر می‌کنم وظیفه‌مان را توانسته‌ایم تا به خوبی انجام دهیم.

**آقای اکبرپور، شما به‌عنوان بازیگر، پیش از این در آثار تلویزیونی و سینمایی ای مثل «زمانی برای ایستادن»، «آپاندیس» و «کاکا» حضور داشته‌اید، اما اسماعیل میرشکار و سریال «گیلدخت»، شرایط متفاوتی برای شما محسوب می‌شود، درباره این تفاوت و جذابیت بازی در نقش این شخصیت بگویید.**

اغراق نیست اگر بگویم که گیلدخت برای من یک دانشگاه بازیگری بود، این درست است که من قبلاً در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی حضور داشته‌ام؛ اما گیلدخت شرایط خاصی داشت، طولانی بودن این پروژه و آموختن کارهایی مثل سوار کاری که مجبور بودم به خاطر بازی در نقش شخصیت اسماعیل میرشکار یاد بگیرم، برای من تجربه و چالش متفاوتی بود، یک فرصت بود که خودم را محک بزوم و از این چالش‌ها این قدر لذت بردم که امیدوارم کارهای بعدی من سخت‌تر از گیلدخت باشد تا تجربه بیشتری کسب کنم.

**شما ماه‌ها با شخصیت «اسماعیل میرشکار» زندگی کرده‌اید، به جای او نفس کشیده‌اید، عاشق شده‌اید، مبارزه کرده‌اید، سختی و دشواری یک مرد را چشیده‌اید؛ به نظر شما کدام ویژگی این شخصیت توجه شما را به‌عنوان بازیگر جلب کرد و از آن احساس خوبی داشتید؟**

طبیعتاً نقش‌هایی مانند اسماعیل میرشکار، برای هر بازیگری که دنبال این باشد که روند رو به جلویی داشته باشد وسوسه‌انگیز است، برای من، کاراکتر میرشکار فاصله زیادی با کاراکترهای قبلی‌ام داشت و از این جهت برایم بسیار هیجان‌آور و دلچسب بود. به‌عنوان بازیگر، باید بگویم که این شخصیت، ویژگی‌ها و تلاش‌هایی خاصی را می‌طلبید، مثل یاد گرفتن سوار کاری، استفاده از نوع خاص حرف زدن و... تا کاراکتر خاص این شخصیت شکل بگیرد و همه این ویژگی‌ها بود که مرا به تلاش وامی‌داشت تا بیشتر و بیشتر یاد بگیرم و به این خاطر است که عاشق این نقش و کاراکتر شده‌ام.

**به نظر می‌رسد که شما با این شخصیت خیلی نزدیک شده‌اید که این طور عاشق این شخصیت شده‌اید و این قدر برایتان جذاب است**

ببینید من یک موضوع کلی را بگویم و آن اینکه همیشه فکر می‌کنم تا هر سنی که بازی می‌کنم و در هر کاری که قرار داد می‌بندم، آن اثر برای من یک آزمون و تجربه جدید است و تلاش‌های جدید را می‌طلبید. اجرای این نقش هم برایم یک تجربه